

www.chebayadkard.com

بخش هفدهم

حیدر خان و کمونیسٹ بین المللی

یادآوری

و تاکید ..

گفتیم که برای تنظیم قسمتی از اسناد بخش پیشین هم چنین برخی ازین بخش‌ها بیشتر از اسناد، مدارك و مآخذ آرشیوها و بانویسندگان خارجی- غربی‌ها و شرقی‌ها - استفاده شده که بیشتر آن در اختیار سازمان‌های کمونیستی و یا آرشیوهای - ضد کمونیستی - و غربی‌هاست که قسمتی از آن‌ها نیز از جانب آنان انتشار یافته است .

بدین سبب تفکیک این بخش و بخش ضمیمه از سایر مباحث کتاب ضروری می‌نمود ، که ذهن خواننده از آغاز روشن باشد و با وقوف بر اینکه گوینده مطالب چه افراد یا سازمان‌هایی هستند ، و گفته‌ها و نوشته‌های آنان به چه منظوری تهیه و تدوین شده ، بمطالعه دنباله مطلب بپردازد. زیرا نه فقط در جریان نگارش این کتاب ، بلکه در کلیه آثار تاریخی و تحقیقی که تا کنون از طرف صاحب این قلم انتشار یافته ، هدف اصلی و اساسی این بوده است، که کلیه رویدادها بدون هیچگونه جانبداری و اعمال نظر خاص، در معرض قضاوت و داوری خواننده قرار گیرد.

شاید - چنانکه گروهی از صاحب نظران و اندیشمندان معتقدند - این از نخستین وظایف يك نویسنده باشد، که اعتقادات و نظرات خود را در نوشته‌هایش دخالت نهد و ذهن خواننده را با آنچه - که بعقیده خود او حقیقت و واقعیت است - متمایل سازد. اما يك مورخ^۱ و پژوهشگر - بعقیده

۱ - امینوارم که این جمله برای خوانندگان ایجاد سوء تفاهم نکند، زیر انگار نسخه‌چکام دهوی تاریخ نویسی نداشته است و آنچه نیز تا کنون بنام « اساعیل رائین، انتشار یافته ، پاره‌ای اسناد مطالبه‌ها گاهی‌ها بوده که انتشار آن‌ها را بعنوان خدمتی ناچیز، وظیفه و بر نامه اساسی زندگی خود میدانسته‌ام.

راقم این سطور - وظیفه‌ای بس دشوارتر بعهدہ ندارد. زیرا ای بساکه بخاطر بیان واقعیات ناچار باشد، اعتقادات و باورهای خود را زیر پا بگذارد و با بدست فراموشی بسپارد. چون در غیر اینصورت مرتکب جنایتی نسبت بخواننده شده و او را در ارزیابی حوادث تاریخی دچار گمراهی ساخته است.

طبیعی است، وقتی از زندگی و مبارزات کمونیستی حیدر عمواعلی سخن می‌گوئیم یا متن‌ترها و برنامه‌های کمونیستی او را منعکس می‌کنیم، و بالاخره وقتی با مراجعه به منابع و مآخذ منحصراً بر سازمانهای کمونیستی، زندگی و مبارزات او را مورد ارزیابی قرار می‌دهیم، با بسیاری شعارها و مطالب تند و افراطی مواجه خواهیم شد، که ممکن است هیچکدام از آنها بایدآلهای ملی و ناسیونالیستی نگارنده، یا خواننده - عقاید و نظرات ابراز شده - سازگار نباشد. ولی بخاطر حفظ امانت و انعکاس همه واقیعت ناچار از نقل آنها هستیم.

یا شرح این مقدمه نسبتاً مفصل و تاکید روی نکته‌ای که بدان اشاره شده شاید دیگر نیاز بدان نباشد که بگوئیم، آوردن پاره‌ای اسناد و ترهای کمونیستی دلیل موافقت و یا حتی مخالفت نگارنده، با یکی یا تمام این اصول و شعارها نیست. ما می‌کوشیم تاریخ را چون آئینه‌ای صافس پیش روی خواننده قرار دهیم. این وجدان آگاه خواننده است که باید سره را از ناسره و درست را از نادرست تشخیص دهد. و اگر مجموعه این تلاشها، حتی اندکی روشنائی بر نکات مبهم و تاریک تاریخ ایران بیافکند و بخشی دیگر از زندگی و مبارزات قهرمان داستان ما را روشن سازد، نویسنده اجر و پاداش خود را باز یافته است.

با این مقدمات، اینک بشرح فعالیت‌های حیدرخان در سازمانهای کمونیستی و کمونیسم جهانی می‌پردازیم.

مدتها قبل از تشکیل کنگره ملل شرق، فعالیت حیدر عمواعلی در جهت کمونیسم افزایش یافته بود. و او که از آغاز مبارزات آزادی خواهانه خود را،

دیر اول
حرب کمونیست

بخطرات اعتقاد با آزادی، دفاع از اصول انسانی و آئین مقدس اسلام، مبارزه با ظلم و استبداد عصر قاجار شروع کرده بود، بتدریج گرایشهای کمونیستی بیشتری یافت. بخصوص پس از تشکیل حزب دموکرات و تماس مداوم دموکراتهای ایران، با سوسیال دموکراتهای روسیه و قفقاز.

منابع کمونیستی پس از شرح مبارزات اولیه حیدر عمواغلی و شرکت وی در کمیته اجتماعیون عامیون تاکید می کنند که از همان زمان حیدر خان بامرکز جنبش سوسیال دموکراسی کارگری روسیه، یعنی با کمیته مرکزی حزب ارتباط داشته است.

پس از سفر مهاجرت و ارتباط مستقیم حیدر عمواغلی با نین و یاران او، پیوند وی با کمونیستها استحکام و گسترش بیشتری یافت. تا آنجا که دیدیم دوشادوش نین در انقلاب روسیه شرکت کرد.

و اما نقش و فعالیت حیدر عمواغلی در تشکیل و رهبری حزب کمونیست ایران و شرکت او در بین الملل کمونیستها...

زین العابدین نادری طی مقاله ای با عنوان « کریم نیک بین (زرتشت) یکی از رهبران حزب کمونیست ایران » یاد کرده و به دوستی و همکاری نیک بین و اول حزب کمونیست ایران « یاد کرده و به دوستی و همکاری نیک بین و حیدر عمواغلی در آنترناسیونال کمونیستها اشاره کرده است. وی پس از این مقدمه: « آنچه تا کنون در زمینه تاریخ حزب کمونیست و جنبش کارگری ایران انتشار یافت، بسیار کوتاه از کریم نیک بین دبیر اول حزب کمونیست ایران پس از حیدر عمواغلی، یاد شد... » که تاکید بر سردبیر اولی حیدر عمواغلی است، با استفاده از اسناد سپرده شده به آرشیو انستیتوی مارکسیم - لنینیم آذربایجان شوروی، بشرح زندگی کریم نیک بین، و عضویت وی در حزب کمونیست (بلشویک) روسیه پرداخته و چنین می نویسد:

« ... درباره شرکت نیک بین در نخستین کنگره آنترناسیونال سوم که حیدر عمواغلی نیز در آن شرکت داشته و نیز راجع بزمان آغاز آشنائی، دوستی و همکاری آنها بایکدیگر سندی ندیده ایم. ولی مسلم است که او

دردومین کنگره کمینترین شرکت داشته، و می‌توان احتمال داد که در آنجا با سلطانزاده که به نمایندگی از طرف ایران در کنگره شرکت داشت همکاری نموده است.

در کنگره دوم اترناسیونال سوم - منعقد در سال ۱۹۲۰ - مهمترین مباحثات، موضوع امکان ایجاد شوراهای دهقانان و زحمتکشان در کشورهای شرق و بخصوص در ایران بود. مباحثه شدیدی که در اطراف این مسئله در کنگره در گرفت توجه لنین را بخود جلب کرده و او وجود چنین امکانی را مورد تأیید قرار داد.

در همین سالها بود که در جمهوریهای ماوراء قفقاز و ماوراء خزر شوراهای انقلابی دهقانان و زحمتکشان تشکیل می‌شد. و فعالیت خود را با موفقیت ادامه می‌داد. هم در این سالها بود که ایرانیان مقیم قفقاز و آسیای میانه گروه گروه باین شوراهای انقلابی و ارتش سرخ می‌پیوستند. کار این شوراها بقدری رونق گرفته بود که از لحاظ تامین سلاح و سیورسات سازمان‌های رهبری دچار مشکلات جدی بودند. در چنین شرایطی نیک‌بین که بعنوان نماینده جمهوری ترک‌تان در کنگره شرکت داشت و در جریان این حوادث و از سازمان دهندگان آن بود، طبعاً نسبت به مسئله مورد بحث نظر موافقی داشت...

... حزب عدالت که در فوریه ۱۹۱۷ تاسیس شده تنها در ماوراء قفقاز، بلکه در آسیای میانه نیز که دهها هزار خانوار زحمتکش ایرانی در آنجا زندگی می‌کردند، سازمانهایی داشت. یعنی ابتدا در شهرهای عشق‌آباد، تاشکند، سمرقند، بخارا، مرو و غیره «اتحادیه ایرانیان» بوجود آمد و سپس در سال ۱۹۱۹ سازمان حزب عدالت نیز در میان ایرانیان آسیای میانه بوجود آمد.

در سالهایی که نیک‌بین در جمهوری ترکستان فعالیت می‌کرد، کنفرانس کشوری سازمانهای حزب عدالت در جمهوری ترکستان تشکیل شد. گرچه در مورد سال برگزاری کنفرانس (۱۹۱۸ یا ۱۹۲۰) و محل تشکیل آن (تاشکند یا عشق‌آباد) در برخی آثار اختلافاتی بچشم می‌خورد، ولی در

این مسئله که در کنفرانس کشوری مذکور انقلابی برجسته ایران حیدر عمواغلی شرکت داشته اختلاف نظری در بین نیست.

حزب عدالت طی سالهای ۱۹۱۸ - ۱۹۲۰ در راه ایجاد سازمانهای خود در ایران دست به فعالیت زد. از جمله در سال ۱۹۱۸ برهبری اسداله غفارزاده هیئتی به ایران اعزام شدند که تنها دو نفر از آنها توانستند خود را پرشت رسانند با خالوقربان تماس حاصل کنند. ولی در سال ۱۹۲۰ عده‌ای برای امور سازماندهی شهرهای شمالی ایران فرستاده شدند که از آنجمله است شخصی بنام «م. فارس» که عضو کمیته حزبی شهر اردبیل شد^۱ نمیتوان گفت که این شخص همان کریم نیک‌بین باشد زیرا احتمال اینکه او از وظیفه پر مسئولیتی که داشت دست برداشته و بمنزله یکی از فعالین حزب عدالت در شهر اردبیل مشغول شده باشد بسیار ضعیف است. ولی احتمال دارد که در همین سال او با حیدر عمواغلی که در عشق‌آباد شدت سرگرم توسعه ارتباطات سازمانی با مناطق شمال شرقی ایران بود،^۲ همکاری داشته است و نیز در مسئله تشکیل شوراهای کارگری - دهقانی و ایجاد دستجات ارتش سرخ از ایرانیان مقیم آسیای میانه و رهبری آنان شرکت و فعالیت موثر داشت...»^۳.

...کنگره ملل شرق در تابستان ۱۹۲۰ تشکیل شد. در این کنگره حیدر عمواغلی بعنوان نماینده ایران شرکت داشته و سخنرانی کرد.^۴ موضوع عمده سخنرانی انتقاد نسبت به فعالیتهای کمیته مرکزی انتخاب کنگره اول حزب کمونیست ایران بود. از طرف هیئت نمایندگی ایران در کنگره عده‌ای برای ملاقات با لنین انتخاب فرستاده شدند. این عده مسی‌بایست نظریات انتقادی خود را که در کنگره از طرف حیدر عمواغلی بیان شده بود نیز طرح پیشنهادی ویرا بنظر و. ای. لنین برسانند و کسب تکلیف کنند. در شمار افراد اعزامی رفیق بهرام سیروس (آخوندزاده) نیز شرکت داشته است. آنها ماموریت خود را انجام دادند و طرح پیشنهادی حیدر عمواغلی

۱ - تقی ایراهیم‌اف (شاهین) - ایران کمونیست‌ها در سنین یارادفلسی - ص ۱۶۳

۲ - همان مأخذ

۳ - علی شیده - لنین و ایران - ص ۲۳

۴ - تقی ایراهیم‌اف - همان اثر - ص ۲۲۶

مورد تصویب اکثر ناسیونال کمونیستی قرار گرفت سپس در آخر سال ۱۹۲۰ کمیته مرکزی جدید شامل ۱۲ نفر (بجای ۱۵ نفر اعضای منتخبه کنگره اول) بوجود آمد که در ترکیب آن ۴ نفر از کمیته مرکزی انتخابی کنگره اول شرکت داشتند.^۱ حیدر عمواغلی بعنوان صدر کمیته و دبیر کل حزب کمونیست ایران و کریم نیک بین نیز بعنوان معاون و دبیر حزب تعیین شدند. بدنبال این جریان کریم نیک بین که در حزب کمونیست و جمهوری ترکستان مسئولیت دولتی و حزبی داشت و ضمناً از اعضای فعال کمینترن بود کار انقلابی خود را تماماً از سال ۱۹۲۱ به حزب کمونیست ایران منتقل کرد...^۲

... هیئت اجراییه کمینترن در ژوئن ۱۹۲۱ تصویب کرد که در ایران می بایست یک حزب کمونیست با کمیته مرکزی واحد وجود داشته باشد و کمیسیونی را مأمور اجراء این تصمیم کرد.^۳ ولی در اوت همان سال کمیته مرکزی دیگری نیز بوجود آمد که موضوع آن در سپتامبر ۱۹۲۱ آ در هیئت اجراییه کمینترن به مذاکره گذارده شد و تصمیم سابق مورد تأیید قرار گرفت.^۴ سرانجام در ژانویه ۱۹۲۲ در جلسه ای که سرگو ارژنیکدزه و سرگنی میرونویچ کیروف و اعضای کمیته های سه گانه از جمله کریم نیک بین در آن شرکت داشتند یک کمیته مرکزی واحد شامل ۲۰ نفر از میان اعضای کمیته مرکزی سه گانه انتخاب شدند.^۵ بدین طریق کریم نیک بین که عضو هیئت اجراییه کمینترن بود در رأس کمیته مرکزی واحد حزب کمونیست ایران قرار گرفت.

البته قبل از اینهم، یعنی پس از قتل حیدر عمواغلی در سپتامبر ۱۹۲۱ کریم نیک بین عملاً در این مسئولیت بود ولی با تشکیل جلسه ژانویه ۱۹۲۲ این مسئولیت او در رهبری حزب کمونیست ایران بصورت قطعی و همگانی در آمد.

۱ - لندن و ایران - ص ۵۰-۵۲

۲ - رضا روستا - تاریخچه سندیکا های کاری در ایران - ص ۱۳۰ - ۱۳۱

۳ - تقی ابراهیم اف اثریاد شد - ص ۲۳۴

۴ - همان مأخذ - ص ۲۳۵

۵ - همان مأخذ - ص ۲۵۰-۲۵۱

طی نه ماهی که هنوز مبارز شهید حیدر عمواغلی در راس کمیته مرکزی جدید حزب کمونیست ایران قرار داشت در هیچ اثری اشاره نشده است که کریم نیک‌بین نیز در گیلان فعالیت می‌کرده است. ولی این مسئله روشن است که در نیمه دوم سال ۱۹۲۱ کمیته مرکزی جدید که حیدر عمواغلی صدارت و کریم نیک‌بین معاونت آنرا برعهده داشت فعالیت خود را در تهران آغاز نمود. کریم نیک‌بین بمنزله معاون حزب و هم‌عنوان کادر غیر شناخته شده به تهران رفته به فعالیت انقلابی پرداخت. پس از شکست انقلاب ایران کلیه فعالیت‌های حزبی در تهران تمرکز یافت و این مرحله از تاریخ حزب کمونیست ایران یعنی مرحله پس از شکست انقلاب گیلان (۱۹۲۱) تا سالهای سقوط سلسله قاجار (۱۹۲۶) یکی از درخشانترین دوره‌های رشد سازمانی به‌مراه توسعه دامنه فعالیت‌های ایدئولوژیک در نهضت کمونیستی ایران طی چهاردهه اول سده بیستم است.^{۱۰۰}

دنباله مطلب مربوط به فعالیت‌های بعدی کریم نیک‌بین و بازداشت و محکومیت، و سرانجام مرگ او در زندان (در جریان تصفیه‌های استالینی) ویراثت پس از مرگ او است، که چون ارتباطی با فعالیت‌ها و مبارزات قهرمان کتاب ما ندارد، از نقل آنها چشم می‌پوشیم و از یک مأخذ کمونیستی دیگر شرح و انعکاس مقام و نقش وی در جریان کمونیسم بین‌الملل، پس از سفر اروپا و بازگشت وی از سوئیس می‌پردازیم:

بین‌الملل
کمونیستها ...

این مأخذ - که در بخشهای پیشین نیز مورد استفاده قرار گرفت و قسمت‌هایی از آنرا نقل کردیم - متن سخنرانی علی‌امیرخیزی، یکی از کمونیستهای قدیمی و کهنسال ایران، در جلسه یادبود سالروز نود سالگی حیدر عمواغلی است، از محل ایراد سخنرانی در متن گزارش نشانه‌ای نیست، ولی گمان می‌رود که در یکی از جمهوریه‌های توده‌ای شمال شوروی باشد.

با توجه باینکه مطلب از طرف یکی از همکاران نزدیک حیدر عمو

اغلی و با استفاده از خاطرات هم‌روی و همچنین اسناد و مدارک سپرده شده به آرشیو احزاب کمونیست و انستیتوهای مارکیستی، تدوین شده است. می‌توان این شرح را، گزارشی کامل از فعالیت‌های حیدر عمواغلی در آثار ناسیونال کمونیست‌ها دانست.

«... حیدرخان عمواغلی بعد از انقلاب فوریه در روسیه در سال ۱۹۱۷ از سوئیس به پتروگراد آمد و در کار انقلاب اکتبر فعالانه شرکت جست و با آتر ناسیونالیست‌های خارجی روابط برقرار کرد. او رابط بین حزب عدالت (باکو) و حزب کمونیست (بلشویک) روسیه گردید.

در سال ۱۹۱۸ با بتکار ولادیمیر ایلیچ لنین کمیاریای مسلمانان تشکیل شده بود، حیدرخان در این کمیاریا شرکت فعال داشت، عضو هیئت این کمیاریا بود و شعبه تبلیغات آنرا به عهده داشت.

حیدرخان در ماه نوامبر ۱۹۱۸ در تأسیس بوروی مرکزی سازمان‌های کمونیست‌های مسلمان شرکت داشت. در سال ۱۹۱۹ بنا بدستور مستقیم لنین حیدرخان دعوت نمایندگان شرق را به اولین کنگره کمیته‌ترین به عهده گرفت. خود او اولین نماینده حزب «عدالت» در این تشکیلات کمونیستی بین‌المللی بود.

حیدرخان در سال ۱۹۱۹ در پتروگراد بنام مستعار «رجب بمبی» در مiting بین‌المللی کارگران بعنوان نماینده حزب انقلابی ایران سخنرانی کرد. وی طی این سخنرانی، اوضاع بین‌المللی و اختلافات بلوک‌های شرق و غرب را مورد تجزیه و تحلیل قرار داد، و درباره ایران آن‌روز، حکومت استبدادی و تلاش مردم ایران در راه استقرار آزادی سخن گفت. متن سخنان حیدر عمواغلی در مiting بین‌المللی کارگران پتروگراد شرح زیر است:

رفقا و برادران!

از طرف زحمتکشان انقلابی ایران درود و سلام بر شما! درود بر روسیه

۱ - پروتکل‌های کنگره هشتم حزب کمونیست (بلشویک) روسیه - مسکو سال ۱۹۳۳ - ص ۳۴۲ - ۳۴۳

شوروی که پرچم آزادی مردم و طبقات زحمتکش جهان را بر علیه ظلم و استثمار سرمایه بین‌المللی برافراشته است!

سپس با اشاره به بورژوازی کشورهای اروپا و امریکا چنین گفت:

سرناسزایان بر افراشتن

وزیشان امید بهی داشتن

بجیب‌اندرون مارپروردنت

سرشته خوش گم کردنت

رفقا! سازش با بورژوازی و چشمنداشت از آنها داشتن در حکم مار

پروردن است. رفقا! مافرنندان خلقیم و برای احقاق حق خلق مبارزه

می‌نمائیم. سرمایه‌داران دشمن ما هستند. ما از هر گونه سازش با این

ستمگران امتناع می‌ورزیم. اینها خفه کنندند. جنبش رهائی بخش و

مکنند خون مردم زحمتکش هستند. در مبارزه با این ستمگران

برای ما یا مرگ و یا پیروزی است! راه برگشت و عقب‌نشینی بسرای

ما وجود نیست! ما به پیروزی خود اعتقاد و اطمینان داریم. ما مطمئن هستیم

شعله‌ای را که کشور شوروی برافروخته است ایران انقلابی را نیز

فرا خواهد گرفت.

از آنجائیکه موقع حوادث اخیر ایران در روسیه رژیم استبدادی تزاری

حکمرما بود و مردمان روسیه با این حوادث آشنا نیستند، من لازم میدانم

بطور اختصار کمی شمارا در جریان بگذارم و از تعدیات و تجاوز بورژوازی

شما بما و تاریخ ایران شمه‌ای بعرض برسانم:

رفقا! کشور ما ایران از دو طرف مورد غارت و بیخا قرار می‌گرفت:

از طرف باند متشکل سرمایه‌داری اروپا و دسته دوم از طرف باند متشکل

غارتگر آسیائی. باند متشکل اروپائی عبارت بود از سرمایه داران روسیه

و انگلیس - که سرمایه‌داران این کشور هابیران آمده و از دولت ایران

یاملاکین و فئودالها امتیازاتی گرفته قراء و قصبات را اجاره می‌کردند و

سپس اوباشان و فراریان محکوم باعمال شاقه را ملج می‌کردند (اسلحه

را از سفارت متبوعه خود دریافت می‌کردند) و این تفنگداران بجان و مال

و ناموس مردم تجاوز می‌کردند و در موقع برداشت محصول و خرمن بزور

تمام محصولات زراعتی را غارت می‌کردند و برای دهقانان چیزی باقی

۱ - منظور انقلاب مشروطیت ایران در سال های ۱۹۰۵ - ۱۹۰۷ می‌باشد.

«در ۱۹۱۹ حیدرخان با توافق داوطلبان ایرانی و از جمله با چند تن از اقوام خود با ترن مخصوص به تاشکند عزیمت کرد. بعد از ورود او در آسیای میانه فعالیت اجتماعی و سیاسی ایرانیها جدیدتر می‌شود. در بهار همان سال در جنب حزب کمونیست ترکستان بوروی کمونیستهای مسلمان تشکیل می‌شود که موجب افزایش فعالیت سیاسی بین مهاجرین کشورهای هم سرحد آسیای میانه یعنی ایران و چین و هندو افغانستان می‌گردد.

حیدرخان یکی از رهبران این بورو بود که در آخر ۱۹۱۹ و اوایل ۱۹۲۰ بر رهبری وی در حوزه‌ها و گروههای ایرانی مقیم آنجا تجدید تشکیلات بعمل می‌آید و گردانهای داوطلب برای مبارزه با دشمنان داخلی و خارجی انقلاب تشکیل می‌شوند.

در ۱۵ فوریه ۱۹۲۰ در تاشکند با حضور صدها ایرانی مقیم تاشکند میتینگی تشکیل شد، نمایندگان سازمانهای انقلابی مختلف در میتینگ سخنرانی کردند، از جمله علی‌خاترا، مصطفی‌صبحی، فتح‌الهزاده و غیره که مردم را برورود در صفوف قشون سرخ دعوت می‌کردند. بیش از ۲۰۰ نفر ایرانی یعنی همه ایرانیان حاضر در میتینگ برای ورود در صفوف قشون سرخ نام نویسی کردند.

اول آوریل ۱۹۲۰ در تاشکند کنفرانس کشوری حزب اجتماعیون عامیون (عدالت) دعوت شد. در دعوت و تشکیل این کنفرانس حیدرخان رل مهمی بازی کرد. در کنفرانس نمایندگان حزب «عدالت» ایرانیان از عشق‌آباد، مرو، چارجو، سمرقند، اندیجان، تاشکند و غیره شرکت کردند، نمایندگان تشکیلات باشویکی روسیه نیز بعنوان مهمان حضور داشتند. کنفرانس با توافق آراء لنین را بصدارت افتخاری برگزید.

در کنفرانس که تا سه روز ادامه داشت، حیدرخان مقصلا از وضع ایران که در نتیجه اشغالگری دولتهای امپریالیستی بسدین روز اسف‌آور افتاده گزارش مفصل داد و تاکید کرد که ایران دوست صمیمی و وفادار خود را فقط در وجود روسیه انقلابی می‌شناسد. او در نطق خود لزوم مبارزه علیه امپریالیسم را با همکاری و هم‌رزمی روسیه آزاد از اهم مطالب شمرد. با آنکه دولت ایران خدمت در قشون سرخ را برای ایرانیان مهاجر

قدغن کرده بود، معینا در گردانهای ملعمان اتر ناسیونال سوم که در سال ۱۹۱۹ در تاشکند، سمرقند، بخارای نو در هنگهای ماوراء بحر خزر مشکل شده بودند، در تمامی قسمت های قشون سرخ تعداد معتابیهی از داوطلبان ایرانی خدمت می کردند. آنها در جنگهای ضد انگلیسهای اشغالگر و گاردهای سفید که «دولت» ماوراء بحر خزر را مدافعه می نمودند اشترک کردند.

حیدرخان که عضو شورای انقلابی نظامی ترکستان بود، تشکیل گردانهای ایرانی را شخصا بعهده گرفته بود. گردان ایرانی تنها در عشق آباد هزار ویانصد نفر سرباز سرخ بود. در این کار ایرانیان انقلابی - حسن نیک بین و حسین شرقی - همکاری جدی می کردند که بعدها نیز از فعالین و رهبران حزب عدالت گردیدند.

کمونستهای ایرانی مقیم ترکستان نسبت به گرسنگان روسیه شوروی نیز وظیفه بین المللی خود را انجام دادند. از عشق آباد یکصد هزار روبل و از تاشکند بیش از ۴ میلیون روبل به فوند «کمک به گرسنگان» تقدیم کردند.

در همان موقع که حیدرخان و همزمانش در مقابل اشغالگران انگلیسی ژنرال ماله سون و قشودالها و خانهای یاسماچی و مرتجعین یاغی علیه دولت شوروی سرگرم مبارزه بودند، تحت تأثیر انقلاب کبیر اکثر در ایران نهضت آزادی ملی توسعه یافت. در اوایل سال ۱۹۲۰ در گیلان دولت جمهوری شوروی ایران اعلام شد که میرزا کوچک خان برراس آن بود. تشکیلات حزب عدالت که در نواحی اشغالی انگلیسها در ایران بطور مخفی کار می کرد موقع را برای علنی شدن مقتضی شمرد و نخستین کنگره خود را در ۲۲ ژوئن ۱۹۲۰ در انزلی (پهلوی فعلی) دعوت و تشکیل داد. در همین کنگره تصویب شد که حزب عدالت بنام حزب کمونیست ایران (عدالت) نامیده شود.

در کنگره عناصر چپ رونیز حضور داشتند که نهضت آزادی ملی گیلان را انقلاب پر لتری می شمرند. این پدیده منجر به تجدید نظر در سیاست حزب کمونیست ایران (عدالت) شد و موجب آن شد که برای

بر کنار کردن عناصر چپ و اقدامات جدی بعمل آید. کنگره خلقهای شرق درباکو (از اول تا هفتم سپتامبر ۱۹۲۰) که بابتکار لنین و با تصمیم کمیترین دعوت شده بود در این مورد کمک مهمی کرد. نمایندگان ایران بصدارت حیدر در این کنگره حضور داشتند. حیدر سخنرانی مفصلی کرد و ضمناً از سخنان یکی از مهمانان شوروی تقدیر نمود و گفت: در عرض دوست سال هیچیک از اروپائیان به شرقیها نگفته است که «اگر بنسب باشد بمیریم باهم خواهیم مرد و اگر زنده بمانیم باهم خواهیم بود». و پس از اشاره به مظلالم روسیه تزاری و انگلستان و همچنین ترکیه نسبت به شرقیها ایران را هم من باب مثال ذکر کرد که اینجا انقلاب بوجود آمد و لسی سرمایه داران اروپائی و در رأس آنان روسیه تزاری و انگلستان انقلاب ایران را خفه کردند. درخاتمه نطق خود اظهار امیدواری کرد که همین کشورهای شرقی که نمایندگانشان اینجا جمعند زبان مشترکی بیدامی کنند و انگلیسها و سایر امپریالیستها را از کشور خود بیرون رانده شرق را از زیر ظلم سرمایه نجات می دهند.

در این کنگره حیدرخان و سلطانه از فراکسیون کمونیستی بسمت عضو تبلیغات و کار در شرق انتخاب شدند. دسته رهبری کننده حزب کمونیست ایران (عدالت) بر اثر تصمیمات این کنگره، پس از تجزیه و تحلیل اعمال حزب در گیلان باین نتیجه رسید که ترکیب سابق کمیته مرکزی حزب کمونیست ایران (عدالت) منتخب کنگره اول از عهده حل مسائلی که در مقابلش قرار دارند بر نمی آید. در اولین پلنوم وسیع کمیته مرکزی (۱۱ سپتامبر ۱۹۲۰) تصویب شد که کمیته مرکزی حزب طبق نظر اکثریت اعضاء حزب از نو انتخاب شود. و در اولین پلنوم حیدرخان بسمت دبیر کل حزب انتخاب شد.

کمیته مرکزی حزب کمونیست ایران بصدارت حیدرخان عموغلی یگیلان رفت و در ۸ ماه مه ۱۹۲۱ بین او و کوچک خان قراردادی بسته شد و در آن قید گردید که انشعاب نیروهای انقلابی ایران مصیبت عظیمی برای تمام انقلابیون ایرانی ایجاد می کند و زیانهای سنگینی برای ایران باستانی مصیبت دیده وارد می آورد. قرارداد تاسیس یک کمیته ای بنام «کمیته

انقلابی ایران را پیش‌بینی می‌کرد که در ترکیب آن میرزا کوچک‌خان، حیدرخان عمواعلی، احسان‌الدخان، خالوقربان، محمدی وارد شوند و اولین وظیفه آن ایجاد قوای مسلحی باشد که نگذارد ایالت گیلان بدست قشون دولت ایران بیفتد، بلکه پایگاهی برای مبارزات پیشرو و در راه آزادی ایران گردد.

همچنین در قرارداد قید شده بود که روابط دوستانه با دولت شوروی، با آذربایجان و گرجستان برقرار و توسعه داده شود و تصریح شده بود که انقلابیون ایران به پشتیبانی و کمک‌های برادرانه جمهوری‌های شوروی امیدوارند. یکی دیگر از موااد قرارداد جلوگیری از مداخله بیگانگان بود که در امور داخلی و سیاسی ایران هیچ خارجی‌ئی دخالت نکند.

در ۴ اوت در گیلان از نو دولت شوروی اعلام شد. در دولت جدید میرزا کوچک‌خان صدر کمیته انقلابی و وزیر مالیه شد. حیدرخان وزیر خارجه، خالوقربان وزیر جنگ، میرزا محمدی وزیر داخله و سرخوش وزیر عدلیه شد. در دولت جدید نماینده حزب کمونیست ایران فقط حیدرخان عمواعلی بود.

حزب برهبری حیدرخان بکار مهمی میان زحمتکشان دست زد. مراکز تبلیغات در شهرها تاسیس شد، کلبه‌های قرائتخانه در دهات بزرگ دائر شد. حزب جلسات و نمایشها و میتینگها ترتیب می‌داد. کمیاست حزب را روشن می‌کرد و اعمال خائنانه امپریالیستهای انگلیس و عمال ارتجاع ایران را افشاء می‌نمود.

کمیته انقلابی بعضی اقدامات دیگر هم در برداشت، در فرهنگ خلقی، در تأمین اجتماعی انجام داد و تدابیری هم برای بهبود وضع دهقانان اتخاذ نمود. این اقدامات روحیه انقلابی زحمتکشان را بالا می‌برد. زیر رهبری حزب کمونیست در خارج از گیلان نیز اتحادیه‌های دهقانی تشکیل شده بود، از جمله در اردبیل و سراب و نواحی تبریز و غیره.

همزمان با انتشار ترهای حیدر عمواعلی حداقل هر گرام^۲ نیز توسط

۱ - متن این ترها، در پایان همین بخش (ضمیمه ۱ - ضمیمه شماره ۲)، عیناً نقل شده است.

۲ - رجوع کنید به «ضمیمه» - پایان همین بخش.

حیدر خان نوشته شد. در این سند نکات بسیار جالبی هست که نقشه تاسیس دولت موقتی انقلابی مرکز و همچنین وظایف آنرا از لحاظ سیاسی، اقتصادی، ارضی، مالی و فرهنگی و غیره معین می‌نماید.

این بود مختصری از کارهای حیدر خان عموغلی که بنظر من او را می‌توان سیرغ انقلاب نامید که هر جا وجودش لازم بود همانجا حاضر می‌شد و مشکلترین مسائل سیاسی و اجتماعی و نظامی را حل می‌کرد. او از ۱۹۰۵ تا ۱۹۱۷ بنا به شهادت الکساندر قوموف (والدین) در خاطراتی که در سال ۱۹۲۲ نگاشته بالنین در سوئیس و برن و پاریس و پراگ و زوریخ و استکهلم ملاقات کرد، و در هر بار با دستورهای لنینی بر سر کار انقلابی خود برگشت. بعد از انقلاب فوری به پترو گراد آمد، از هم‌زمان لنین بود و بر هبری لنین مسئولیتهای متعددی در پترو گراد و در مسکو و در ترکستان و در قفقاز به‌مهده گرفت و بالاخره برای ترمیم اشتباهات کمیته مرکزی پیشین به گیلان آمد. آنجا هم مقدمات کار را فراهم آورد، با کوچک‌خان قرارداد بست، کمیته انقلابی ایجاد و از نو دولت جمهوری شوروی در گیلان اعلام شد. افسوس که بقول الکساندر قوموف (والدین) در نتیجه انتریک های تهران و انگلیسها و همچنین تحریکات چپ‌روهای بی‌مغز در سراجرای وظیفه انقلابی شهادت رسید.»^۱

www.chebayadkard.com

(بخش ضمیمه)

آنچه که در زیر بنام ضمیمه می‌خوانید، سندی است که با احتمال قوی تا کنون در ایران انتشار نیافته و یا اگر هم منتشر شده، بصورت بسیار محدودی بوده است، که تنها گروهی خاص از مضمون آن اطلاع یافته‌اند. در سال‌های اخیر نیز که متن پاره‌ای از این اسناد بفارسی ترجمه و منتشر شده، در مأخذ و نشریاتی بوده، که یا اصولاً در خارج از ایران چاپ و منتشر شده و به ایران نرسیده است، و یا اینکه گروه‌های خاصی بمنظور بهره برداری تبلیغاتی، این مطالب را منتشر و بین خودشان توزیع کرده‌اند. بهمین جهت بحث ضمیمه را باید یکی از بخشهای ویژه کتاب و در حقیقت مکمل مطالب پیشین دانست.

بدستی ضمیمه که ذیلاً از نظر خوانندگان خواهد گذشت، در حقیقت معرف روحیه، طرز تفکر، برنامه‌ها و ایدئال‌های حیدر عمواغلی پس از گرایش به مارکسیسم و کمونیسم است.

تر معروف عمواغلی که در آن علاوه بر طرح مسائل مربوط بایران، وضع کمونیسم بین‌الملل و اصولاً نهضت‌های انقلابی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است، و هم‌چنین برنامه‌هایی که وی برای اجرای تر خود در نظر گرفته، نشان می‌دهد که اعتقادات حیدر عمواغلی در این دوران تغییرات کلی یافته و پس از تشکیل کنگره شرق، سفر اروپا و همکاری با لتین و رهبران دیگر انقلاب شوروی، بیشتر از آن که افکارش محدود و منحصر باوضاع ایران باشد، پیروزی کمونیسم در یک سطح جهانی را مورد

نظر قراردادده است. واگر ترها و برنامه‌های او مربوط بایران است، باید توجه داشت که وی در این زمان «ایران» را بصورت جزئی از کل، یعنی واحدی از یک جامعه کمونیستی «آینده» بشمار می آورده است. اینک متن کامل تر حیدر عمواغلی:

ضمیمه شماره ۱

تزه‌های حیدر عمو اوغلی

درباره وضع اجتماعی - سیاسی ایران و درباره تاکتیک فرقه‌اشتراکی
عدالت ایران :

۱ - ایران فعلاً در مرحله برزخی است در حال عبور از پدشاهی و
ایلی و فئودالی بسوی سرمایه‌داری. ۷۵ درصد اهالی تخته قاپو هستند که
اکثریت آنرا دهقانان تشکیل می‌دهند. و ۲۵ درصد هم عبارتند از ایله‌های
کوچنده. یگانه طبقه تولید کننده اساسی همان دهقان زحمت کش یعنی
رعیت است که اقتصاد کوچک خود را بدون استثمار دیگری اداره می‌کند.
مالکین فئودال (خانها، آقاها، ملک داران) که قوای دولتی پشתיبان آنان
است دهقان را در واقع در حال وابستگی بر زمین نگه میدارند نمونه تنها بر زمین
واموال منقوله آنان بلکه بر جان آنان نیز تسلط دارند. متصدیان دوایسر
دولتی ایران اساساً همان نمایندگان قدیمی اشرافیت فئودال است. چون
وظایف و مقامات دولتی بنا بر عادات متداوله که تا حال هم باقی مانده اند خرید
و فروش می‌شود، لذا خریدار مقام یا وظیفه به مردمی که تحت اداره او باید
باشند بمثابة باجگزار نگاه می‌کنند و تمام همش مصروف اینست که حد اعلا
عواید از مردم بدست آرند. ضمناً تمامی سنگینی مالیاتهای بی‌ترتیب و
وحشیانه بار دوش دهقان است که در نتیجه ورشکستش می‌کنند و از زمین
هم می‌رانند.

۲ - ایلات کوچنده، که تقریباً زندگی ابتدائی دارند گاه وسائل
معیشت و ادامه حیات خود را از راه یغما و چپاول منظم اهالی تخته قاپو
بدست می‌آورند. اینها برای دهقان باج تعیین می‌کنند و مجبورشان

می نمایند که نقداً یا جنساً به اینان مالیات پردازند. با وجود زیان های بزرگی که ایلات از راه تاخت و تاز بدحقاتان آرامش طلب وارد می کنند دولت شاهنشاهی کوچکترین اقدامی برای جلوگیری بعمل نمی آورد. اولاً قدرتی ندارد که برای مقابله اینها بفرستد، ثانیاً برای آنکه در صورت بروز خطری داخلی یا خارجی متوقع پشتیبانی آنان است.

۳ - صنایع بزرگ قایریکی در ایران بهیچوجه وجود ندارد. اولین کوشش ها برای ایجاد صنایع در آغاز قرن بیستم نظر بمخالفت انگلیس و روس بعدم موفقیت انجامید.

و همچنین صنایع بزرگ معدنی نیز وجود ندارد، زیرا سرمایه داران انگلیسی و روسی تا جائیکه میتوانند امتیازات منابع طبیعی را از دولت شاهنشاهی تحصیل کرده و بخود منحصراً نمودند و قسمت عمده آنها را در حال تعطیل نگاهداشته اند. فقدان کامل راه های آهن که بموجب قرارداد پولستان (۱) مورخه ۱۸۸۹ بین انگلیس و روس ساختمان آن قدغن شده است در مقابل تکامل و توسعه اقتصاد ایران سد غیر قابل رفعی ایجاد کرده و ایران را در سرحد ورود به نظام سرمایه داری متوقف کرده است.

در نتیجه همین وضع در ایران پرتاریای صنعتی نیز اصلاً وجود ندارد. گروهای کارگران صنعتی که هنگام کوشش برای ایجاد صنایع محلی آغاز پیدایش نهادند، پس از تعطیل کارخانه ها قسمتی بخارج (بطور عمده بیاکو) مهاجرت کردند و قسمتی هم در شهرهای بزرگ سکونت کردند و به قشر لومین پرتاریا مبدل گردیدند.

سرمایه داری اروپا از همان آغاز رخنه بایران تقریباً تمامی صنایع پیشه وری را که وقتی رونق داشت کاملاً محو کرد (حالا فقط پنج درصد آنها باقی مانده است) و صدها هزار پیشه وری را در جرگه لومین پرتاریا انداخت. طبقه لومین پرتاریا که از کارگران و پیشه وریان و صنعتگران سابق تشکیل یافته و بدحقاتان ورشکسته و بی زمین دائماً با آنها علاوه میشوند قسمت مهم اهالی شهرهای ایران را بوجود می آورند.

این طبقه نظر بشرایط غیر قابل تحملی که برای ادامه حیات خود دارد طبقه ایست بسیار انقلابی ولی کاملاً غیر متشکل و فاقد آگاهی طبقاتی.

۴- سرمایه تجاری محلی که برای ادامه حیات خود بطور متمادی و پایدار مبارزه کرده است، بالاخره در نتیجه آنکه اعتبارات مالی با انحصار بانکهای خارجی درآمد، سرکوب گشته و اکنون طبقه تجار ایرانی در سرحد ورشکستگی کامل است. وضع طبقه تجار بورژوا در شمال ایران که نظر با انقطاع داد و ستد پاروسیه، دهقانان جائی برای فروش محصولات خود ندارند، سخت تر شده است. تجار از يك طرف جنس از جائی وارد نمی کنند، از طرف دیگر چون دهقانان دچار فقر و فلاکت شده اند، لذا اموال تجار خریداری ندارد. این وضع سخت و سنگین تجار کوچک و متوسط بورژوازی ایران تا حدی روحیه انقلابی در آنان ایجاد میکند.

۵- روحانیون در ایران فوق العاده زیادند (این قشر تقریباً دارای سه میلیون نفر است) و در زندگی کشور نقش بزرگی بازی میکنند، زیرا که قدرت قضائی، فرهنگ مردم، و کار تأمین اجتماعی - همه در دست روحانیون است. روحانیون بطور بارز بدو طبقه مختلف تقسیم میشوند. قشر فوقانی آن، با اصطلاح مجتهدها زمین های وسیعی بدست آورده بمالکین مبدل شده اند که دهقان را استثمار و مضمحل مینمایند. این قسمت روحانیون تا حد اعلام رجعت و کاملاً طرفدار دولت شاهند. قسمت دیگر روحانیون که بیشتر شهری هستند، از زمین و از املاک وقفی عسوابندی ندارند و لذا از لحاظ منافع اقتصادی خود کاملاً به خرده بورژوازی وابسته اند. بعضی از اینها طرفدار اصلاحات دمکراتیک هستند و عملاً در انقلاب ۱۹۰۸ شرکت کردند.

۶- صاحبان املاک بزرگ در ایران طبقه حاکمه را تشکیل میدهند (و در حدود سه هزار نفرند) و هر يك از آنها دهها و صدها نه و زمین دارند که آنها را بوسیله دهقانان آباد میکنند. البته مطمئن نیستند که اگر رژیم نوی روی کار آید بتوانند موقعیت سیاسی و وضع اقتصادی خود را گماکان حفظ کنند و از نیروست که تا میتوانند از وضع موجود ارتجاعی دولت شاه و از سلطه امیرمالیست های خارجی طرفداری میکنند.

مالکین میفهمند که با سقوط تسلط اشرافگرا نه خارجی ها تسلط آنان نیز از بین خواهد رفت و لذا با هر دو دست به انگلیس متوسلند و بانهاست

کوشش می میکنند که نفوذ خود را حفظ کنند. هر گونه نهضت انقلابی، ولو نهضت صرفاً ملی علیه انگلستان، با مخالفت مالکین و مقاومت سلطانه آنان مصادف میشود.

۷- از آنچه که در بالا ذکر شد آشکار میشود که ایران کنونی از لحاظ اقتصادی نه فقط رشد نمی کند بلکه سیر قهقرائی طی میکند و همین کنترل دائمی شرایط اقتصادی زندگی اکثریت اهالی زمینه مساعد برای انقلاب ایجاد مینماید. در مقابل یگانه طبقه ضد انقلابی مالکین بزرگ طبقات زیرین قرار دارند که بالقوه انقلابی اند:

الف- قبل از همه هزاران صنعتگر و پیشه ور ورشکسته، کارگران کارخانه های بسته شده و دهقانان بی زمین که در جستجوی کار به شهرها روی آورده اند که مجموعاً بی چیزان شهر- نوع لومین پرلتاریا را تشکیل میدهند!

ب- دهقان رعیت چندین میلیونی که نه تنها از حق مالکیت بر زمین آباد کرده خودد بر باع و احترام خود محرومند بلکه حق شخصیت نیز ندارند، بی رحمانه از طرف مالکین و خانها و مجتهدها استثمار میشوند زیرا بار سنگین بهره مالکانه و مالیات دولت مینالند و هیچگونه امید دیگری ندارند که در صورت ادامه وضع حاضر حال قفر و فلاکت خود را بهبود بخشند؛ چه طبقه چندین میلیونی کسبه کوچک و متوسط که عده شان به ۳۵ میلیون نفر بالغ میشود و در سرحد فقر کامل قرار دارند و درک میکنند که در صورت بقای رژیم فعلی و رقابت روز افزون سرمایه انگلیسی طبقه تجار و کسبه ایران را محکوم بزوال قطعی مینماید.

ج- تمامی طبقات نامبرده در بالا اینک ۶۵ سال است در حال جوش و خروش انقلابی هستند و بدتر شدن وضع اقتصادی آنان موجب افزایش انرژی انقلابی آنهاست و انفجار انقلابی را ناگزیر میسازد. ضمناً روشن است که مرحله اول نهضت انقلابی باید رنگ رهائی بخش ملی داشته باشد. در چنین شرایطی که در ایران پرلتاریای صنعتی کاملاً غیر متشکّل است و دهقانان در تاریکی و جهالت بسر میبرند و کاملاً تحت سلطه خرافات مذهبی قرار دارند و فاقد خود آگاهی طبقاتی هستند و مادامیکه نفرت به

خارجیها که در نظر خلق ایران منشاء تمامی این بلاها هستند نظر مشترك همه است (جز طبقه مالکین بزرگی) تصور اینکه انقلاب در ایران میتواند برزمینه مبارزات طبقاتی بوجود آید و از همان آغاز زیر پرچم کمونیستی برود قطعاً نادرست است.

انقلاب ایران فقط در شکل نهضت آزادیبخش ملی که هدفش رها شدن خلق از اسارت خارجی و تثبیت استقلال کامل سیاسی و اقتصادی ایران باشد میتواند بوجود آید و پیروزمندانه تکامل یابد. چنین انقلابی بوسیله خرده بورژوازی تجاری که یگانه طبقه قادر بر رهبری سیاسی در ایران است رهبری خواهد شد.

فقط در جریان بعدی تکامل انقلاب یعنی وقتی که توده های وسیع دهقانی بدان ملحق شوند و این توده ها متشکل گردند وزیر رهبری حزب کمونیست قرار گیرند و زمانیکه دشمن مشترك یعنی امپریالیسم خارجی که تقریباً تمامی طبقات تعدی میکنند مغلوب گردد - فقط در اینصورت در جریان تحکیم پیروزی، مبارزه عمومی ملی خصلت مبارزه طبقاتی بخود میگیرد و طبقات زحمتکش پرچم انقلاب سوسیالیستی را برافراخته و با از سر راه برداشتن سایر طبقات مخالف تایید پیروزی نهائی پیش خواهد رفت. جریان تکامل انقلاب ایران با منافع انقلاب اجتماعی جهانی هماهنگی کامل خواهد داشت، زیرا در وهله اول انگلستان را از ایران میراند، قدرت امپریالیسم انگلستان را متزلزل میسازد و سپس ایران را بطور طبیعی و بتدریج بمدار نظام کمونیستی سوق میدهد.

شرایطی که وضع سخت و سنگین اقتصادی تمامی طبقات خلق ایران را بوجود آورده همه نتایج سیاست امپریالیستی انگلیس و روسیه نزاری است. از اینرو طبیعی است که مردم نسبت به انگلیس و همچنین نسبت به روسیه نظر دشمنانه دارند ...

۹- از احکام نامبرده در بالا بر میآید که حزب کمونیست ایران (عدالت) در مقابل خود دو هدف نزدیک دارد:

۱- تأمین اعتلا و گسترش نهضت آزادیبخش ملی که هدف رانندگی امپریالیست های انگلیس از ایران و در ارتباط ناگرایر با آن سرفگون ساختن

حکومت‌شاه هدفش است ...

۲- در جریان مبارزه علیه امپریالیست‌های انگلیس متحد و متشکل کردن دهقانان و مستمندان شهری و ایجاد خود آگاهی طبقاتی در آنان تا پس از پیروزی بر امپریالیست‌های انگلیس بتوان مبارزه ملی را بمبارزه طبقاتی و نهضت آزادیبخش ملی را به نهضت کمونیستی تبدیل کرد.

موافق این هدف‌ها حزب کمونیست ایران (عدالت) نزدیکترین وظایف خود را چنین مطرح مینماید :

۱- ایجاد عده زیادی کادر محکم‌حزبی که حزب بتواند بوسیله آنان رهبری مستقیم بر توده‌های وسیع طبقات زحمتکش را در دست بگیرد ؛

۲- گرد آوردن همه نیروهای انقلابی کشور در اطراف حزب زیر پرچم نهضت آزادیبخش ملی بر علیه امپریالیست‌های خارجی و مبارزه با دولت‌شاه که بخارجیها فروخته شده‌است!

۳- تبلیغ و تهییج وسیع که چشم و گوش مردم را به نقش امپریالیسم جهانی در ظلم و تعدی نسبت به توده‌های خلق و همچنین چشم مردم را بسیاست انگلیس در ایران باز کند و بدین ترتیب حتی نفرت آنان را علیه اشغالگران خارجی برانگیزد ؛

۴- کار تبلیغاتی دامنه‌دار در میان دهقانان و مستمندان شهری بمنظور ایجاد آگاهی طبقاتی در میان آنان. ولی حزب کمونیست ایران (عدالت) لازم می‌شمارد که در این کار اوهام و خرافات مذهبی و معیشتی را که در میان توده‌های دهقانی بی اندازه قوی است باید بحساب آورده و در مبارزه با آن حداکثر احتیاط را مراعات کرد ؛

۵- کار تشکیلاتی وسیع بین طبقات زحمتکش ، ایجاد اتحادیه‌ها و مساعدت به گسترش نهضت سندیکائی و تعاونی و دادن محتوی انقلابی بآنها و رهبری مشی سیاسی آنها ؛

۶- ایجاد نیروهای مسلح انقلابی ملی برای مبارزه علیه امپریالیست‌های خارجی و دولت شاه ؛

۷- سرنگون ساختن دولت‌شاه و ایجاد نظام سیاسی نوینی که از لحاظ سازمانی شکل حکومت شوروی داشته باشد ، بدون کنار گذاشتن خسرده

بورژوازی. شرکت حزب در اصلاحات دولتی و اجتماعی که بدست دولت انقلابی جدید باید بعمل آید. حزب بدولت جدید را باید بمبارزه با سرمایه داری جهانی سوق دهد.

۱۰- برای حل وظایف ذکر شده در بالا حزب کمونیست ایران (عدالت) از اقدامات فوری درباره اجرای تدابیر خالص کمونیستی در ایران امتناع مپورزد و تاکتیک تردیکترین دوره (مبارزه) خود را (تا سرنگونی دولت شاه و طرفدانگلیس ها از ایران) بر پایه اتحاد همه طبقات از پرتاریا گرفته تا بورژوازی متوسط برای مبارزه علیه قاجار و امپریالیست های خارجی و همچنین بر پایه ارتباط تردیک با حزب دمکراتهای چپ (گروه شیخ محمد خیابانی) که بیانگر منافع خرده بورژوازی و روشنفکران است مبتنی میسازد. حزب کمونیست ایران (عدالت) ممکن و مطلوب میسازد که در دوره مذکور با حزب دمکراتهای چپ در انتخابات توافق حاصل کند و با آنها در بلوک انتخاباتی وارد شود. همچنین حزب کمونیست (عدالت) برای خود مطلوب میسازد که با رهبران سرشناس نهضت آزادی بخش ملی از قبیل میرزا کوچاخشان و امثال او همکاری کند. حزب کمونیست ایران (عدالت) خود را مجاز میداند در انتخابات مجلس که از طرف دولت شاه اعلام میشود شرکت نماید و همچنین در خود مجلس نماینده داشته باشد، ولی نه برای کاررگانیک در آن بلکه برای استفاده از قریبون مجلس برای مقاصد انقلابی و حزبی.

۱۱- نظر بر اینکه خلق ایران باشکال دمکراتیک حکومت عدالت ندارد حزب کمونیست ایران (عدالت) خواهد کوشید که نظام دولتی موجود ایران را، ولو بدون محتوی پرلثری، با اشکال شوروی حکومت تعویض کند و از تمام «اشکال تکاملی» بینابینی مقامات انتخابی و اداری صرف نظر کند.

۱۲- حزب کمونیست ایران (عدالت) با آنکه کاریست فوری کمونیسم و اقدامات کمونیستی و از جمله سلب مالکیت از بورژوازی تجاری را در ایران غیر ممکن میداند و این قبیل اقدامات را به بعد از پیروزی نهائی بر امپریالیست های خارجی موکول مینماید، مهذباً نمکین و مطلوب

میشمارد که در جریان مبارزه با انگلستان و دولت شاه، برای جلب توده‌های وسیع دهقانی بدین مبارزه، مسئله ارضی بدون تأخیر و بطور قاطع حل شود و املاک بزرگ مالکین - ملکداران بِنفع دهقانان مصادره شود. با توجه باین امر که مبارزه با زمینداران عمده در شرایط مبارزه با انگلیسی‌های پشتیبان آنان بهر حال کاریست ضرور و مصادره املاک بزرگ بمنافع خرده بورژوازی و بورژوازی متوسط لطمه نمیزند و آنها را از انقلاب دور نمیکند، باید قبول کرد که چنین اقدامی نه تنها نهضت انقلابی را ضعیف نمی‌کند، بلکه آنرا قویتر هم میکند، زیرا برای شرکت جدیدتر توده‌های دهقانی در جنبش انقلابی انگیزه عملی بوجود می‌آورد.

۱۳- حزب کمونیست ایران (عدالت) برای بیرون راندن انگلیس‌ها از ایران ضمن همکاری نزدیک با احزاب خرده بورژوازی با گروه‌ها و سران نهضت نجات بخش ملی از قبیل کوچک‌خان هدف‌های نهائی خود را از نظر دور نخواهد داشت و تمام مساعی خود را برای برانگیختن آگاهی طبقاتی و تشریح منافع طبقاتی و وظایف دهقانان و مستمندان شهری که با وظایف بورژوازی تمایز خاص دارد، پیکار خواهد کرد تا پس از پیروزی بر امپریالیست‌های خارجی توده‌های زحمتکش را بمبارزه در راه انقلاب اجتماعی و دستیابی به نظام کمونیستی سوق دهد.

کمیته مرکزی حزب کمونیست ایران (عدالت)

ژانویه - مارس ۱۹۲۱

ضمیمه شماره ۲ برنامه حداقل حزب ایران

(شعبه ایرانی کمونیترن)
بقلم حیدر خان عسکری

حزب کمونیست ایران (بلشویک) نه تنها بیرون راندن امپریالیست های انگلیس را از ایران بلکه نابود کردن قطعی دولت شاه و مالکین را نیز نزدیکترین وظیفه خود میداند. برای همین مقصود از همه احزاب و تشکیلاتی که حاضرند در مبارزه قطعی علیه این ستمکاران وارد شوند پشتیبانی خواهد کرد.

کارگران و دهقانان باید بخوبی بدانند که بدون سرنگون کردن این مفتخواران و استعمارگران راه خلاص و نجات برای آنان نیست اما این مبارزه مشکل را فقط بیاری همه عناصر انقلابی ایران میتوانیم با موفقیت انجام دهیم.

۱- در امور سیاسی

حزب پس از سرنگون کردن حکومت شاه و مالکین اقدامات زیرین را انجام خواهد داد:

۱- ایجاد فوری دولت موقت انقلابی در مرکز و مرکز از اشخاصی که احزاب و تشکیلات انقلابی نامزد کنند بهمین ترتیب ایجاد انجمن ها در محل ها؛

۲- دعوت مجلس مؤسسان در کوتاهترین مدت بر اساس رأی مخفی، مستقیم، مساوی و همگانی که بلافاصله تمام قدرت حاکمه را در دست خواهد گرفت.